

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال دهم، شماره هجدهم، بهار ۹۸، صفحات ۱۲۷-۱۵۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۷/۰۹

بررسی تاریخی زمینه‌های آبادانی شهر یزد در دوره تیموری

کامبیز امیراسمی^۱

ابوالحسن فیاض انوش^۲

فرویدن الهیاری^۳

چکیده

تیموریان به شهر و شهرنشینی توجه و علاقه نشان دادند. در زمان آنها برخی از شهرها، مانند یزد، شیراز، هرات و سمرقند آباد، شکوفا و پررونق شدند. از این رو مطالعه‌ی شهر و شهرنشینی و نقش تیموریان در تحول آن اهمیت می‌یابد. این نوشتار می‌کوشد، ضمن پاسخ دادن به این پرسش که کدام عوامل زمینه‌ساز آبادانی یزد در دوره تیموری شد؟ به صورت نمونه‌وار تصویری از شهر و شهرنشینی در دوره تیموری ارائه نماید. دیدگاه حکام و کارگزاران تیموری نسبت به شهر را مشخص کند و اهمیت نقش بزرگان شهری در زمینه رونق بخشیدن به شهرها را بیان نماید. نوع مطالعه در این پژوهش تاریخی و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. شیوه‌ی گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که توجه و علاقه‌ی فرمانروایان و عمال حکومتی به عمران و آبادانی شهرها، به علاوه توجه اعیان، اشراف و بزرگان شهری به این موضوع در کنار وجود سرمایه و رونق اقتصادی موجود در محل از عوامل اصلی رونق گرفتن شهر و شهرنشینی در دوره تیموریان بوده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، تیموریان، شهر، شهرنشینی، یزد، آبادانی.

kambizamiresmi49@gmail.com

amir.anush2016@gmail.com

f.allahyari@ltr.ui.ac.ir

۱ - دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان - ایران

۲ - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان - ایران (نویسنده مسئول)

۳ - استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان - ایران

Historical Study of Yazd Flourishing Grounds in Timurid Era

K. Amir Esmi¹

A. H. Fayyaz Anush²

F. Allhayari³

Abstract

Since the succeeding of the Timurid showing a grave interest at urbanism, many cities, such as Shiraz, Yazd, Samarqand, and Harat flourished wide-spreadly. Hence, investigation upon civil engineering and urbanism finds inevitable significance over this paper. Attempting to investigate upon the crucial and influential factors contributing to urbanism in the era, the present paper seeks to present a portrait of civil context and urbanism and account for the fact that how the perspectives and attitudes of the great figures of the age contributed to the development of this phenomenon.

The type of this study is historical, and the method of the paper is analytical-descriptive. The provided data has been collected documentarily, drawn from libraries in a bibliographic method. The results show that governors' interest at urbanism as well as developmental ambition of the elites and patricians' attention of the age all contributed to prosperity of this era.

Keywords: Iran, Timurids, City, Urbanization, Yazd, Flourishing.

1 - Ph.D. Student, University of Isfahan, Esfahan-Iran

kambizamiresmi49@gmail.com

2 - Associate Professor of History, Isfahan University, Isfahan-Iran
amir.anush2016@gmail.com

3 - Professor of History, Isfahan University, Isfahan-Iran

f.allahyari@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

به دنبال تهاجم مغولان به ایران، شهرهایی که در مسیر تاخت و تازهای ایشان قرار داشتند متحمل آسیب‌های جدی شدند اما با استقرار حکومت ایلخانان، به‌ویژه پس از پذیرش دین مبین اسلام توسط آنان، زندگی شهری تا اندازه‌ای رونق یافت و مورد عنایت و توجه قرار گرفت (رضوی، ۱۳۹۰: ۱۵۲-۱۵۳). با فروپاشی حکومت ایلخانی و بروز درگیری‌های داخلی، بار دیگر شهرها، زندگی شهری و فعالیت‌های شهری در مناطقی از ایران، که صحنه برخورد و نزاع مدعیان قدرت بود، آسیب دید. برآمدن امیر تیمور (ت: ۷۳۶-م: ۸۰۷ ق) این گمان را در اذهان متبادر می‌ساخت که پس از لشکرکشی‌ها و فتوحات وی شهر و شهرنشینی دستخوش انحطاط کامل شود اما این گونه نشد. تحقیق در منابع تاریخی دلالت بر آن دارند که شهر و مظاهر آن بعد از آسیب‌های اولیه‌ای که در دوران یورش‌های امیر تیمور متحمل گردیدند، مورد توجه جانشینان وی قرار گرفتند چنان که شهر و شهرنشینی در قلمرو ایشان رو به رشد و اعتلا نهاد و شهرهایی چون سمرقند در روزگار زندگانی امیر تیمور رونق یافتند و در روزگار حکومت جانشینان وی نیز هرات و شیراز و برخی از دیگر شهرها شکوفا گردیدند (میرجعفری، ۱۳۷۹: ۲۰۶).

مسأله‌ی نوشتار حاضر این است که، چرا در قلمرو جانشینان تیمور شهر به‌سوی رونق، آبادانی و اهمیت سیاسی و اقتصادی سیر می‌کند؟ این مسأله شهر، شهرنشینی و نقش تیموریان در تحول آن را در ایران به موضوعی مهم مبدل می‌سازد. بررسی این مسأله اهمیت فراوان دارد؛ زیرا دانش تاریخی مربوط به ایران عصر تیموری را افزایش می‌دهد و شناخت شهر و شهرنشینی در قلمرو تیموریان را گسترش می‌بخشد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که: که کدام عوامل زمینه‌ساز آبادانی یزد در دوره‌ی تیموری شد؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه‌ی ذیل به آزمون گذاشته شده است: یزد به‌دلیل سابقه‌ی اهمیت اقتصادی و سیاسی‌اش، مورد توجه حکام و کارگزاران تیموری قرار گرفت و بزرگان محلی با ایجاد مراکز مهم اقتصادی، مذهبی و آموزشی، این شهر را در دوره‌ی حکومت تیموریان به شهری آباد و پررونق تبدیل کردند. در کنار پرسش اصلی، نوشتار حاضر می‌کوشد به پرسش‌های ذیل نیز پاسخ دهد. تیموریان چه دیدگاهی نسبت به شهر و شهرنشینی داشتند؟

شهر در دورهٔ تیموری، چه کارکردها و مشخصه‌های کالبدی داشت؟ این نوشتار تلاش دارد با مشخص نمودن علل عمران و آبادانی شهر یزد، تصویری موردی از شهر و شهرنشینی در دورهٔ حکمرانی تیموریان ارائه نماید؛ نگاه فرمانروایان و حکام تیموری را نسبت به ساختار شهر مشخص نماید و اهمیت نقش بزرگان شهری را در زمینهٔ رونق بخشیدن به شهرها بیان نماید. نوع مطالعه در این پژوهش، تاریخی و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. شیوهٔ گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی است.

پیشینهٔ تحقیق

ایرج افشار در کتاب *یادگارهای یزد* به معرفی آثار و ابنیه‌ی این شهر در دورهٔ تیموریان می‌پردازد. نزدیک‌ترین پژوهش به موضوع این مقاله، کتاب *ایران عصر تیموری* تألیف بئاتریس فوربز منز است. این پژوهشگر ضمن بررسی نقش حکام، امرا و اشراف در زندگی شهری، به ساخت و سازهای انجام شده در یزد در دورهٔ تیموریان اشاره می‌کند. اما گذشته از این که به دیدگاه تیموریان نسبت به موضوع شهر و شهرنشینی نمی‌پردازد، ویژگی‌های یزد به‌عنوان یک شهر ایرانی-اسلامی را بیان نمی‌کند. از همین رو، پژوهش مزبور تصویری از یزد به‌عنوان نمونه‌ای از شهرهای دورهٔ تیموریان ارائه نمی‌دهد.

۱- شهر و شهرنشینی در نظر تیموریان

رونق گرفتن زندگی شهری در قلمرو تیموریان و آباد شدن برخی شهرها در زمان ایشان، این پرسش را مطرح می‌کند که تیموریان راجع به شهر و شهرنشینی چه دیدگاهی داشتند؟ مطالعهٔ دورهٔ تیموری نشان می‌دهد که فرمانروایان تیموری و ملازمان ایشان به زندگی شهری و آباد بودن شهرها علاقه داشتند و در توسعه دادن به شهرها و عمران آنها کوشا بودند.

شرف‌الدین علی یزدی، امیر تیمور را علاوه بر جهانگشایی، فردی آبادگر معرفی می‌کند و بر این باور است که مناطق فتح شده توسط تیمور، پس از او، آبادان‌تر و ایمن‌تر شدند (یزدی، ۱۳۸۷: ۲۲۱/۱) در *تروکات* نیز به علاقه‌مندی امیر تیمور به آباد کردن شهرها اشاره شده است (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۳۷۰). معروف است که امیر تیمور برای بازسازی یا احیای

شهرها و روستاهای خراب شده در جریان فتوحاتش بسیار مشتاق بود (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰: ۶/ قسمت اول ۱۳۰). چرا شهر و شهرنشینی مورد توجه امیر تیمور بود؟ امیر تیمور با شهر و اهمیت آن آشنا بود. الوس جغتای که امیر تیمور در آن رشد کرده بود از جمعیت مختلط یکجانشین و چادرنشین شکل گرفته بود و چندین شهر بزرگ داشت (تاکستن و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۲۵). بنابراین امیر تیمور از دوران کودکی با مردم یکجانشین شهری و نیز زندگی شهری آشنا بود و نمی‌توانیم گمان کنیم که امیر تیمور فردی خانه‌به‌دوش بوده است. علاقه‌ی امیر تیمور به ساختن بناهای گوناگون دلیلی روشن بر تمایل و گرایش وی به شهرنشینی است. تیمور انتقال از زندگی کوچ‌نشینی به زندگی یکجانشینی را مطرح کرد. تماس او با فرهنگ ایرانی نقش مهمی در این مسأله داشت (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰: ۶/ قسمت اول ۱۳۰-۱۳۱). او به تدریج به اهمیت اقتصادی شهرها پی برده و علاقه‌مند شده بود که صنایع شهرها محفوظ بماند. بعضی اوقات توجه او نسبت به اقتصاد و صنایع موجب می‌شد که رفتار ملایمی با شهرها داشته باشد. برای نمونه هنگامی که شهر یزد در سال ۷۹۸ هجری سر به شورش برداشت، تیمور در مقابل آنها انعطاف به خرج داد. علت این انعطاف آن بود که یزد مرکز تولید منسوجات بود (یزدی، ۱۳۸۷: ۱/ ۸۳۸-۸۳۹؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۶/ ۴۸۵۰-۴۸۵۳).

امیر تیمور به‌لحاظ کوششی که در امر توسعه و آبادانی سمرقند می‌کرد، سرمشقی برای حکومتگران تیموری گردید. امرای تیموری در این زمینه از وی پیروی کرده، تخته‌گاه‌های خود را آباد کردند. امیرزادگان و حکمرانان تیموری علاقه داشتند، شهرهایی را که در آن مستقر می‌شدند، آباد سازند و اساس استواری در زندگی اقتصادی برای فعالیت‌های سیاسی و به‌خصوص فرهنگی ایجاد کنند. امیرزادگان تیموری حتی به عمران و بازسازی و رفع مشکلات شهرهایی که محل اقامت خودشان هم نبود علاقه‌مند بودند. برای نمونه خلیل سلطان (م. ۸۱۴ ق) در سال ۸۱۰ هجری به تعمیر و بازسازی شهر ترمذ اقدام نمود (ابن عربشاه، ۱۳۷۳: ۲۷۹-۲۸۰). بایسنقر (م. ۸۳۷ ق) در سال ۸۱۸ هجری در رفع مشکلات و اختلالات ابیورد کوشید (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۵۷۷/۱). فرزندان عمر شیخ نیز، که بر اصفهان و شیراز حاکم بودند، به‌رغم نزاع‌های طولانی با یکدیگر به فعالیت‌های عمرانی، هم‌اهتمام ورزیدند (آکا، ۱۳۹۰: ۲۴۹). شاهرخ (م. ۸۵۰ ق) نیز به عمران و آبادانی شهرها علاقه داشت.

دوران سلطنت او عصری سراسر سازندگی بوده است (بوا، ۱۳۸۹: ۹۶). علاوه بر افراد خاندان سلطنتی برخی مأموران و عمال دولتی نیز به فعالیت‌های عمرانی همت گماشتند. برای مثال علیکه کوکلتاش، جلال‌الدین فیروزشاه، امیر محمد سلطان شاه و امیر چقماق که از امرای دوران شاهرخ بودند اقدامات عمرانی فراوانی انجام دادند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۶-۱۶۹). امیر علیشیر نوایی (م. ۹۰۶ ق) اقدامات عمرانی مهمی در شهرهای خراسان انجام داد (میرخواند، ۱۳۸۰: ۷/۶۳۱۹). اشراف و بزرگان محلی برخی شهرها نظیر یزد هم در زمینه‌ی آباد کردن و رونق دادن به شهرها فعال بودند (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱/۱۸۳-۱۸۴).

این نکته را نیز باید در نظر داشت که گاه امیر تیمور رفتارهای خشن و ویرانگرانه‌ای با شهرها داشت. او پس از پیروزی بر امیرحسین (م. ۷۷۱ ق) باروی بلخ را ویران کرد و مردمان ولایت را متفرق گردانید (نطنزی، ۱۳۸۳: ۲۲۳). در سال ۷۸۳ هجری که امیرتیمور بر ملک غیاث‌الدین کرت (م. ۷۸۶ ق) پیروز شد و هرات را تصرف نمود فرمان داد تا حصار جدید و قدیم هرات را با زمین مساوی ساختند (میرخواند، ۱۳۸۰: ۶/۴۶۷۴). در جریان لشکرکشی امیرتیمور به لرستان در سال ۷۸۸ هجری این ولایت دستخوش غارت و ویرانی شد (نوائی، ۱۳۷۰: ۳۳)؛ به گونه‌ای که به تعبیر مؤلف مطلع سعدین و مجمع بحرین، خرم‌آباد غم‌آباد شد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۵۸۶/۲). آتش زدن دمشق نیز از اقدامات مشهور امیر تیمور است (ابن‌عربشاه، ۱۳۷۳: ۱۶۲-۱۶۳). بغداد هم در جریان تاخت و تازهای امیرتیمور به شدت آسیب دید (میرخواند، ۱۳۸۰: ۶/۵۰۰۱-۵۰۰۲). اصفهان هم در سال ۷۸۹ هجری توسط امیرتیمور ویران شد و جمع کثیری از مردم این شهر قتل عام شدند (میرخواند، ۱۳۸۰: ۶/۴۷۱۹-۴۷۲۰).

۲- کارکردها و مشخصه‌های کالبدی یزد در دوره‌ی تیموری

کارکردها و مشخصه‌های کالبدی شهر در ایران پیش از عصر تیموری، در دوره‌ی تیموریان هم تداوم یافت. برای شناخت بهتر ویژگی‌های یزد در دوره‌ی تیموری باید پاسخ این پرسش روشن شود که شهر چه کارکردها و مشخصه‌های کالبدی داشت؟

نخستین پرسش درباره‌ی هر شهر مربوط به دلایل شکل‌گیری و مکان‌گزینی آن است. معمولاً شهرهای مهم ایران در طول مسیرهای اصلی تجارتهی واقع شده بودند. تصمیمات

سیاسی نقش مهمی در انتخاب مقرّ شهری ایفا می‌کرد. بسیاری از شاهان و شاهزادگان شهرهایی برای خود می‌ساختند. عوامل مذهبی نیز در شکل‌گیری برخی از شهرها مؤثر بود. جز این عوامل، شهرها در نواحی دارای منابع آب قابل دسترس و پس‌کرانه‌های نسبتاً قابل کشت ساخته شده‌اند (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۶۱-۶۴). مطالب فوق درباره‌ی یزد صدق می‌کند. یزد در مسیر راه‌های تجاری بود، مناطق قابل کشت در اطراف آن وجود داشت و منابع تاریخی، بنیان‌گذاری آن را به خواست اسکندر نسبت می‌دهند (جعفری، ۱۳۴۳: ۲۶).

شهرها به‌دلیل کارکردهای سیاسی، اداری، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی‌شان دارای اهمیت بودند. شهر در ایران از ارکان اساسی زندگانی سیاسی و اقتصادی بود و پایگاه قدرت و جایگاه دستگاه اداری و نظامی به‌شمار می‌آمد (اشرف، ۱۳۵۹: ۲۳). یزد در دوره‌ی اتابکان و آل مظفر اهمیت سیاسی داشت. همین سابقه‌ی سیاسی مهم و قرار گرفتن شهر بر سر راه‌های ولایات فارس و کرمان موجب شده بود که در دوره‌ی تیموریان نیز اهمیت سیاسی خود را حفظ نماید. آمدن امیر چقماق، که از امرای برجسته‌ی دربار شاهرخ بود، به حکومت یزد، اهمیت این شهر را برای حکومت تیموری نشان می‌دهد. البته شهرها، دارای موجودیت مستقل سیاسی نبودند و حکومت بر آنها سیطره و تسلط داشت (اشرف، ۱۳۵۳: ۴۸-۴۹).

یکی از مهم‌ترین کارکردهای شهر، کارکرد دینی و اعتقادی آن بود که خود را در فضای مسجد نشان می‌داد. یزد به سبب وجود مساجد فراوان (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۱۱۲) و وجود شخصیت‌های مذهبی، از نظر دینی اهمیت یافته بود؛ به گونه‌ای که به لقب دارالعباده مشهور گشته بود (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۴۷/۱). شهرها به‌دلیل کارکردهای اقتصادی‌شان برای حکومت‌ها اهمیت داشتند. مهم‌ترین این کارکردها عبارت بود از: ۱- انتقال ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی به شهرها و تجاری کردن محصولات کشاورزی در شهرها. ۲- جمع‌آوری مالیات، سرانه‌ها، حق پیشه‌ها و اجاره‌های تیول داران. ۳- نظارت بر عملکرد صنفی و پیشه‌ای و دریافت انواع پیشکش‌ها. ۴- هویت بخشی به شهر از طریق اعمال حاکمیت و نظارت بر صنوف (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۵۹-۱۶۰). گرچه یک بخش اقتصادی زراعی در اقتصاد شهر وجود داشته است اما شهرها معمولاً مرکز تولید و مبادله‌ی کالا بودند. این

ویژگی در یزد دوره تیموری به چشم می‌خورد. یزد مرکز مهمی برای تولید و مبادله‌ی منسوجات ابریشمی بود (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۱۱۰/۲). به دلیل استقرار حکام و دیوانیان در شهرها، آنها کارکرد و اهمیت اداری هم داشتند. یزد به سبب داشتن مدارس متعدد کارکرد فرهنگی و آموزشی قابل توجهی داشت (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۰۲-۱۲۹).

چگونگی ارتباط شهر با روستا کارکرد منطقه‌ای شهر را مشخص می‌کند. شهرها در دوره اسلامی ارتباط محکمی با ده داشتند به گونه‌ای که جغرافی‌دانان آن روزگار به هنگام معرفی یک شهر به کم یا زیاد بودن و وضعیت دیه‌های آن اشاره می‌کردند (برای نمونه ر.ک: حموی، ۱۳۸۰: ۴۰۲/۱). مستقل نبودن شهر از روستا از ویژگی‌های شهرهای ایران در دوره اسلامی به‌شمار می‌آید. شهر در ارتباط متقابل با جوامع روستایی پیرامون خود معنا می‌یافت و قادر به استمرار زندگی اقتصادی و اجتماعی خود می‌شد. شهر و ده نظام‌های اجتماعی کاملاً متمایز از یکدیگر نبودند. شهر و روستاهای پیرامون آن مجموعه‌ی به هم بسته و یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دادند (اشرف، ۱۳۵۳: ۴۹).

مشخصه‌های کالبدی شهر در دوره تیموریان با دوره‌های قبل تفاوتی نداشت. در این دوره نیز محله، مسجد، بازار، میدان، معابر و برخی مؤسسات شهری ساختار کالبدی شهر را تشکیل می‌دادند. مذهب و باورهای مذهبی در شکل دادن به فضاها و شکل شهر بسیار مؤثر بوده‌اند (سلطان زاده، ۱۳۷۷: ۱۷۸). بخش‌های مسکونی شهرها را محله‌ها تشکیل می‌دادند. محله یک واحد اجتماعی بزرگ‌تر از خانواده و کوچک‌تر از شهر بود. نقش اجتماعی محله بسیار زیاد و متنوع بود. جالب‌ترین خصیصه‌ی محلات عدم تفکیک طبقات اجتماعی و جدایی آنان بود (شفقی، ۱۳۹۵: ۶۶۹/۱). کاتب یزدی نوزده محله را برای یزد نام می‌برد (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۲۸۸-۲۸۹). در بعضی از این محلات امکاناتی نظیر کاروان‌سرا، مسجد، آب انبار و بازار هم وجود داشت که ارزش و قیمت محله را افزایش می‌داد مانند محله‌ی دهوک (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۹۰).

در میان عناصر کالبدی شهر، مسجد از دیدگاه برخی پژوهشگران، نخستین و مهم‌ترین شناسه‌ی شهر اسلامی محسوب می‌گردید. مسجد پیوند گسست‌ناپذیری با عناصر کالبدی اقتصادی در شهر داشت (باستانی راد، ۱۳۹۱: ۱۵). اصلی‌ترین مسجد شهر، مسجد جامع یا

آدینه بود. یکی از نشانه‌های شکوفایی شهرها تعداد مساجد آنها بود. یزد در دوره‌ی تیموری مساجد فراوانی داشت. جعفری برای یزد ده مسجد جامع معرفی می‌کند (جعفری، ۱۳۴۳: ۹۴-۱۰۱). کاتب یزدی تعداد مساجد جامع یزد را یازده مورد می‌داند (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۰۵). در دوره‌ی تیموریان علاوه بر ساخت مساجد جدید در شهر یزد مساجد قدیمی شهر هم مرمت و بازسازی شدند (افشار، ۱۳۷۴: ۱۱۴/۲-۱۲۰). بازار مهمترین محور ارتباطی در فضای شهری به‌شمار می‌آمده است؛ زیرا بازارهای اصلی و دائمی در هر شهر به‌طور معمول در امتداد مهم‌ترین راه و محور شهری، که از یک دروازه شروع می‌شد و تا مرکز شهر ادامه می‌یافت، شکل می‌گرفت (سلطان زاده، ۱۳۸۳: ۹). یزد دکان‌ها، تیمچه‌ها و بازارهای متعددی داشت. کاتب یزدی از هفده بازار یزد نام می‌برد (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۲۸۰-۲۸۱). تیموریان از زمان حکمرانی خود امیر تیمور به احداث بازار و مراکز اقتصادی در یزد روی آوردند (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۸۶) و به تدریج بر وسعت و تعداد بازارها افزودند.

از دیگر عناصر کالبدی شهر می‌توان به خانه اشاره نمود. اعیان، اشراف و بزرگان یزد تمایل به ساخت خانه‌ها و عمارت‌های مجلل داشتند (برای نمونه کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۸۷ و ۱۰۰). به‌همین دلیل خانه‌ها و عمارت‌های فراوان در عصر تیموری در یزد ساخته شد. دروازه‌ها به‌عنوان یکی از مشخصه‌های کالبدی شهر به سبب موقعیت و نقش ارتباطی خاصی که داشتند مکان استقرار و جریان‌یافتن برخی از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بودند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۰: ۱۴۲). کاتب یزدی نه دروازه‌ی یزد در دوره‌ی تیموری را معرفی می‌کند (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۵۱-۸۴). میدان، راه‌ها و معابر درون شهری به همراه مؤسسه‌های نظیر حمام، آب انبار، خانقاه، کاروان‌سرا، مزارات و زیارتگاه‌ها، نیز از مشخصه‌های کالبدی شهر در دوره‌ی تیموریان بودند. در یزد حکام و بزرگان به احداث زیارتگاه‌ها یا بازسازی و مرمت آنان علاقه نشان می‌دادند. مردم برای بسیاری از مشاهد و زیارتگاه‌ها کرامت‌هایی قائل بودند (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۳ / ۵۳۱-۵۳۲). گورستان‌ها در شهر اهمیت ویژه‌ای داشتند. یزد در دوره‌ی تیموری گورستان‌های متعددی داشت (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۵۸-۱۶۶).

۳- یزد در دوره‌ی تیموری

یزد در دوره‌ی تیموری شهری آباد، شکوفا و با رونق بود. بناهای فراوان در شهر ساخته شد و بناهای فراوانی که متعلق به دوره‌های قبل بود مرمت شد. یزد در این دوره شکوفاترین دوران خود را سپری می‌کرد. با توجه به این مطلب، این پرسش مطرح می‌شود که کدام عوامل زمینه‌ساز آبادانی و شکوفایی یزد شده بود؟ بی‌گمان اهمیت سیاسی و رونق اقتصادی و فرهنگی یزد در قرن هشتم هجری زمینه و بستر مناسبی را جهت شکوفایی این شهر در عصر تیموریان فراهم کرده بود. توجه فرمانروایان تیموری به شهر، شهرنشینی و رونق و آبادانی شهرها در کنار کوشش‌های عمرانی کارگزاران آنها و نیز علاقه و فعالیت بزرگان محلی یزد برای آباد کردن شهر خود، موجب شد تا روزگاری درخشان در حیات تاریخی شهر یزد پدید آید.

۳-۱ یزد دوره ایلخانی و آل مظفر

در کتب متقدمان، نظیر *مسالك و ممالک اصطخری*، از یزد با عنوان «کَیْه» یاد شده است و آن را از توابع فارس و از نواحی کوره‌ی اصطخر دانسته‌اند (اصطخری، ۱۳۴۷: ۹۷). یزد موقعیت مکانی و ارتباطی مهمی داشت زیرا بر سر راه‌های ارتباطی فارس، کرمان، خراسان و اصفهان قرار گرفته بود (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۱۱-۱۱۲). یزد از نظر اقتصادی شهری فعال و بارونق بود. در اوایل قرن ششم هجری میوه و ابریشم فراوان در این شهر تولید می‌شد (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۸۷-۲۸۸). با استقرار حکومت ابوجعفر علاءالدوله کالنجار در قرن پنجم هجری یزد اهمیت و مرکزیت سیاسی به‌دست آورد. این اهمیت و مرکزیت سیاسی در زمان اتابکان در سده‌های ششم و هفتم و حکومت آل مظفر در سده هشتم افزایش یافت. همین مسأله زمینه توجه فرمانروایان محلی به آبادانی شهر یزد را فراهم کرد. از قرن پنجم تا پایان قرن هشتم اقدامات عمرانی قابل توجهی در این شهر صورت گرفت. در نتیجه در آستانه برآمدن حکومت تیموریان یزد شهر مهمی به‌شمار می‌آمد.

یزد در عصر ایلخانان به‌دلیل تولیدات نساجی و قرار گرفتن بر سر راه تجاری، شهری آباد، شکوفا و با رونق شده بود و به‌دلیل رونق کسب‌وکار و رفت‌وآمد کاروان‌های تجاری به مکان مهمی مبدل شده بود. نوعی پارچه ابریشمی و طلایی در آن بافته می‌گشت که به



نقاط دیگر صادر می‌شد (پولو، ۱۳۵۰: ۳۷). دستمال‌های حریری که در یزد بافته می‌گردید در سراسر کشور مشهور بود (قزوینی، ۱۳۶۶: ۶۲). علاوه بر این پنبه، غله، میوه و ابریشم در این شهر تولید می‌شد (مستوفی، ۱۳۳۶: ۸۳-۸۴). ابن بطوطه راجع به اهمیت تجاری یزد در قرن هشتم هجری می‌نویسد: «این شهر بسیار نیکو و پاکیزه دارای بازارهای عجیب و جویبارهای فراوان و درختان سرسبز است. مردم آنجا غالباً بازرگان و شافعی مذهب‌اند» (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۲۲۴/۱).

انجام اقدامات عمرانی از قبیل ساخت دارالشفاء، مدرسه، خانقاه و بازار توسط کارگزاران حکومت ایلخانی و شخصیت‌های محلی موجب آبادانی یزد در دوره ایلخانان شده بود. اهمیت یزد به حدی بود که شخصیت‌های مهم حکومت ایلخانی نظیر خواجه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی اقدامات عمرانی در آن شهر انجام دادند. خواجه شمس‌الدین تازیکو که از طرف خواجه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان نیابت فارس را بر عهده داشت در سال ۶۶۶ هجری دارالشفایی به فرمان صاحب دیوان یزد بنا کرد. تازیکو علاوه بر آن مسجد و خانقاهی نیز در یزد احداث نمود (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۱۲-۱۱۴؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۱۸-۱۲۳؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۱۴۲/۳). به درخواست خواجه رشیدالدین فضل‌الله نیز در سال ۷۱۵ هجری مدرسه، خانقاه و بازاری در یزد بنا شد (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۱۴-۱۱۵؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۲۱-۱۲۲؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۱۴۸/۳). علاوه بر کارگزاران حکومتی، بزرگان محلی یزد نیز با اقدامات عمرانی خود نظیر ساخت مدرسه، خانقاه، مسجد، بازار و حمام به آبادانی و رونق شهر کمک کردند. از جمله این افراد قاضی یزد سید رکن‌الدین (م. ۷۳۲ق) و فرزندش امیرشمس‌الدین (م. ۷۳۳ق) بودند که چندین مدرسه، خانقاه، حمام، بازار و دارالسیاده در یزد بنیان نهادند (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۰۹-۱۱۱؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۱۸-۱۱۹). البته تاریخ‌های محلی یزد شخصیت‌های دیگری را هم که در عصر ایلخانان در زمینه‌ی آبادکردن شهر فعال بودند معرفی می‌کنند (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۱۵-۱۲۰؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

یزد در دوره آل مظفر از نظر سیاسی اهمیت یافت و برخی از افراد این خاندان در این شهر مستقر شدند. ایشان در کنار بزرگان شهری اقدامات عمرانی فراوانی در یزد انجام دادند

و بر آبادانی شهر افزودند. در این عصر مساجد، مدارس و عمارت‌های گوناگون در یزد ساخته شد. جعفری در قسم هشتم کتاب خود فهرست مفصلی از این آثار و بانیان آنها به دست داده است (جعفری، ۱۳۴۳: ۹۴-۱۲۹). کاتب یزدی نیز در مقالت ششم و هشتم کتاب خود به اقدامات عمرانی حکمرانان مظفری و بزرگان شهری برای رونق دادن به شهر یزد اشاره دارد (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۷۸-۸۲ و ۱۰۵-۱۳۵). امیر مبارزالدین محمد (م. ۷۶۵ ق) در سال ۷۴۷ هجری محلّاتی که بیرون شهر بود به محدوده‌ی شهر وارد ساخت و باروی جدیدی برای قسمتی از شهر احداث نمود و دروازه‌های شهر را از چهار باب به هفت باب افزایش داد. علاوه بر آن، برج، خانقاه، حمام، بازار، دولتخانه و عمارت‌های گوناگون نیز بنیان نهاد (جعفری، ۱۳۴۳: ۵۰-۵۲؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۹؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۱۹/۱-۱۲۱) چنان که در نتیجه‌ی اقدامات او، به قول کاتب یزدی: «یزد دو چندان اول شد» (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۷۸). فرزندان و ملازمان امیر مبارزالدین نیز در آبادانی یزد کوشیدند و خانقاه، حمام و قنات احداث کردند (ستوده، ۱۳۴۶: ۱۳۱/۱-۱۳۳). شاه یحیی (م. ۷۹۵ ق) به آبادانی یزد علاقه‌مند بود و در توسعه و ترقّی شهر می‌کوشید. او اقدامات عمرانی فراوانی در یزد انجام داد. به نظر می‌رسد که شاه یحیی سعی داشت با توسعه دادن به اقدامات عمرانی در یزد تختگاه خود را به شهری شاخص و ممتاز تبدیل نماید. ساخت مدرسه، بازار، باغ، قصر، مسجد و استحکامات دفاعی نظیر حفر خندق و ایجاد برج از جمله اقدامات وی بود. بستگان و نزدیکان شاه یحیی نیز عمارات گوناگونی نظیر بازار، مدرسه، حمام و کاروان‌سرا احداث کردند (جعفری، ۱۳۴۳: ۵۳-۵۵؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۸۰-۸۱؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۳۲/۱-۱۳۵). وزیر شاه یحیی، سید رکن‌الدین، مدرسه، بازار، حمام و مسجد بنا کرد و امرای او نیز هر یک در داخل و خارج شهر عمارتی ساختند و به قول کاتب یزدی: «یزد را معمور کردند» (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۸۲).

۲-۳ یزد در دورهٔ امیر تیمور و جانشینان وی

تسلط بر یزد برای فرمانروایان تیموری اهمیت داشت زیرا این شهر در نتیجه‌ی اقدامات و تلاش‌های فرمانروایان آل مظفر به شهری مهم و آباد تبدیل شده بود. بازارها و دکان‌های متعدّد شهر از رونق اقتصادی و تجاری شهر حکایت داشت و مدارس فراوان آن

اهمیت فرهنگی شهر را نشان می‌داد. از همان ابتدای تسلط تیموریان بر یزد اقدامات عمرانی ایشان آغاز شد. این اقدامات یزد را به شهری باشکوه و بارونق از نظر اقتصادی و فرهنگی تبدیل نمود. انگیزه‌ی اصلی تیموریان در آباد کردن یزد توجه و علاقه‌ی آنها به اهمیت موضوع شهر و عمران شهری بود. البته موقعیت تجاری و اهمیت اقتصادی یزد در این ابراز توجه مؤثر بود. علاوه بر این نقش پررنگ اعیان؛ اشراف و کارگزاران محلی یزد را نمی‌توان نادیده گرفت. آنان در توسعه دادن امکانات و کمک به رونق و رفاه شهر نقش مؤثری ایفا نمودند.

به‌موجب فرمان امیر تیمور پس از وفات فرزندش عمر شیخ (م. ۷۹۶ ق)، حکومت فارس و توابع آن در سال ۷۹۶ هجری قمری به فرزند عمر شیخ، پیرمحمد (م. ۸۱۲ ق) تفویض شد. به این ترتیب یزد در محدوده‌ی تسلط پیرمحمد قرار گرفت. در همین اوقات فردی به نام سلطان پسر ابوسعید طوسی شورش کرد و بر یزد مسلط شد. با آمدن سپاهیان امیر تیمور شورش و آشوب به پایان رسید (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۳۱۵/۲-۳۱۷). پس از آنکه موضوع پسر ابوسعید طوسی پایان گرفت، امیر تیمور فرمان داد که به جهت سکونت حکام قلعه‌ای در یزد ساخته شود تا در آنجا خزانه و اموال دیوانی محفوظ بماند. این نخستین اقدام عمرانی تیموریان در یزد بود (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۸۳؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۶۴/۱). هنگامی که امیر تیمور به جنگ سلطان بایزید، فرمانروای عثمانی، رفته بود خواجه غیاث‌الدین سالار که در یزد بود و عامل اموال بود، تیمچه‌ای مشتمل بر سی دکان بنا کرد. در سال ۸۰۸ هجری امیرزاده پیرمحمد، برادر خود اسکندر (م. ۸۱۸ ق) را به حکومت یزد فرستاد. اسکندر به آبادی شهر توجه نمود و بناهای متعددی در یزد احداث کرد. در سال ۸۱۰ هجری پیرمحمد، اسکندر را به حبس انداخت و خواجه محمود خوارزمی را به یزد فرستاد. خواجه محمود خوارزمی نیز به اقدامات عمرانی دست زد از جمله مسجد جمعه‌ی جدید را مرمت کرد (جعفری، ۱۳۴۳: ۵۷-۶۱).

از سال ۸۱۷ هجری فارس و توابع آن مانند یزد جزء قلمرو شاهرخ شد (حافظ ابرو، ۱۳۷۱: ۵۶۳/۱). شاهرخ به عمران و آبادانی یزد علاقه نشان داد. به فرمان او نزدیک دروازه‌ی مهریجرده کاروان‌سرای بزرگ با هشتاد اتاق و چهار صفه ساخته شد. مقابل آن

حمامی معتبر احداث شد و نزدیک به صد دکان نزدیک کاروان سرا بنا شد. در سال ۸۱۹ هجری شاه نظام‌الدین از سوی شاهرخ به یزد آمد. او مسجد جامع را مرمت کرد؛ خانه‌های کنار مسجد جامع را آبادان نمود؛ جماعت‌خانه‌ای بنا نهاد و نزدیک مسجد دکان‌هایی بنا کرد (جعفری، ۱۳۴۳: ۶۳). یزد در زمان شاهرخ بسیار آباد و شکوفا شد. مؤلف تاریخ یزد در این باره نوشته است:

خطه‌ی دارالعباده‌ی یزد در هیچ وقت و زمان و در دور هیچ خسرو و سلطان چنین معمور نبود که در زمان سلطنت بندگان حضرت خلافت پناه، ابوالمظفر شاهرخ بهادر خان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه. قریب ده هزار خانه و حوانیت و حمام و مدارس و خوانق و بساتین بتجدید پدید آمده، و تمام اهالی این دیار به احسن الحال در مهاده امن و امان مرفه الاحوال و فارغ البال بدعای دوام دولت قاهره قیام می‌نمایند (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۸).

کاتب یزدی تعداد خانه‌ها، دکان‌ها، مدارس، خانقاه‌ها، حمام‌ها، خانات و بساتین تعمیر شده در زمان شاهرخ را هزار مورد معرفی می‌کند (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۸). در زمان شاهرخ مردم یزد از رفاه نسبی برخوردار گردیدند (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۷۴).

شاهرخ در سال ۸۲۳ هجری امیر چقماق را به حکمرانی یزد تعیین نمود. امیر چقماق برنامه‌های مؤثر فرهنگی و اقتصادی برای توسعه‌ی شهر به کار بست. ظاهراً حمایت‌های امیر چقماق بر طرح‌های عمرانی متمرکز گردید (منز، ۱۳۹۳: ۶۷-۶۸). امیر چقماق اقدامات عمرانی فراوانی در یزد انجام داد. شخصیت‌های حکومتی دیگری هم در یزد بودند که به عمران و آبادانی این شهر علاقه داشتند و ابنیه‌ی گوناگون را بنیان نهادند. خواجه عماد الدین مسعود که مقام وزارت در یزد داشت یکی از این افراد است. او بر در مدرسه‌ی عبدالقادریه در کوچه‌ی اجدادی‌اش خانه، مسجد، گنبد و دیوان خانه احداث نمود. خواجه ضیاء الدین محمد، فرزند خواجه عماد الدین مسعود، نیز اقدامات عمرانی ارزنده‌ای داشت (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۹۸-۹۹؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۳ / ۱۶۰-۱۶۴). اعیان، اشراف، بزرگان، دیوانیان و ثروتمندان یزد در آباد کردن شهر نقش به‌سزائی داشتند. ایشان با ساختن ابنیه‌های شخصی، عمومی و عام‌المنفعه نظیر خانه، دکان، بازار، مسجد، مدرسه و آب انبار بر

امکانات شهر افزودند و رفاه مردم بیشتر شد. علاوه بر آن رونق، شکوفایی و ترقی یزد را در عصر تیموریان، خصوصاً در دوره‌ی شاهرخ، امکان‌پذیر نمودند. نویسندگان کتب تاریخ محلی یزد اقدامات و آثاری را که این افراد صاحب‌نام صورت داده‌اند به تفصیل شرح داده‌اند (جعفری، ۱۳۴۳: ۸۰-۱۱۰؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۱۰۴؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۷۹/۱-۱۸۷).

۳-۳ فعالیت‌های امیر چقماق شامی و همسرش بی بی فاطمه

آنگونه که از داده‌های تاریخی بر می‌آید امیرچقماق به شهر، زندگی شهری و توسعه و آبادکردن شهر علاقه‌ی وافری داشته است. اقدامات عمرانی او و همسرش بی بی فاطمه گسترده‌ترین اقدامات عمرانی بود که از جانب کارگزاران حکومت تیموری در یزد انجام گرفت. اقدامات او را می‌توان نمونه‌ای عالی از دلبستگی و علاقه حکومت تیموری و کارگزارانش به پدیده شهر و زندگی شهری در نظر گرفت. اقدامات افرادی نظیر امیرچقماق این پرسش را مطرح می‌کند که چرا غالب کارگزاران حکومتی مستقر در یزد به انجام فعالیت‌های عمرانی تمایل نشان می‌دادند؟ به نظر می‌رسد اندیشه آبادکردن شهر و رونق بخشیدن به آن در میان ساکنان یزد به‌ویژه اعیان، اشراف و بزرگان به‌خوبی مقبولیت یافته بود. همین فرهنگ و اندیشه رایج در شهر حکمرانان را در موقعیتی قرار می‌داد که برای کسب ارج و منزلت اجتماعی و جلب قلوب گروه‌های گوناگون جامعه اقدامات عمرانی را وسیله‌ای بسیار مناسب تلقی می‌کردند. علاوه بر این با توجه به متن وقف نامه امیر چقماق و بی بی فاطمه، همسرش که در جلد سوم جامع مفیدی آمده است (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۸۸۴-۸۷۱/۳) به نظر می‌رسد افرادی نظیر امیرچقماق ضمن علاقه‌مندی به آباد کردن شهر و رونق دادن به امور اقتصادی، اجتماعی و مذهبی مردم در اقدامات عمرانی خود علاوه بر نام نیک و انجام امر خیر وظیفه‌ای مذهبی نیز برای خود قائل بوده‌اند.

امیر جلال الدین چقماق در محله دهوک یزد مسجد جامع، خانقاه، کاروانسرا، حمام، قنادخانه، آب انبار، بازار و چاه آب سرد بنیان نهاد. به‌همین سبب قیمت آن محله بسیار افزایش یافت. امیرچقماق در جوار مسجد جامعی که ساخته بود خانقاه، دکان‌های متعدد و حمام نیز ساخت. او علاوه بر محله دهوک در نقاط دیگر یزد نیز اقدامات عمرانی انجام داد.

از جمله در خارج شهر کاروان‌سرا، حمام و قنّادخانه بنا کرد (جعفری، ۱۳۴۳: ۶۴-۶۵؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۹۰-۹۲؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۷۰/۱-۱۷۲). به مناسبت ساخت‌وسازهای فراوان امیرچقماق در محلهٔ دهوک این محله به نام او محله امیرچقماق نام گذاری شد (افشار، ۱۳۷۴: ۷۹۳-۷۹۲/۲). امیر چقماق و همسرش بی‌بی فاطمه در جهت شمالی مسجد جامع، که ساختهٔ خودشان بود، میدانی هم ایجاد کردند که به میدان امیرچقماق شهرت یافت (افشار، ۱۳۷۴: ۷۰۷/۲). امیرچقماق در سال ۸۳۱ هجری ساخت‌وسازهای وسیعی در قلعهٔ شهر که به فرمان امیر تیمور ساخته شده بود انجام داد و دیوان‌خانه‌ای در آن احداث نمود (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۹۱؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۷۴/۱). علاوه بر بی‌بی فاطمه، همسر امیرچقماق که در بسیاری از ساخت‌وسازهای امیرچقماق مشارکت داشت، فرزندان او، امیر شمس‌الدین محمد میرک و امیر الیاس، با احداث چند باغ و عمارت؛ کوشش‌های امیرچقماق در آبادانی شهر یزد را استمرار بخشیدند (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۹۱؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۷۶/۱-۱۷۸).

در ساخت‌وسازها و اقدامات عمرانی امیرچقماق همسرش بی‌بی فاطمه نقش بسیار برجسته و ممتازی داشت. بی‌بی فاطمه به طور مستقل نیز اقدامات عمرانی قابل توجهی انجام داد. او در زمینه فعالیت‌های عمرانی کوشا بود. در دورهٔ تیموری برخی از خاتون‌ها به انجام فعالیت‌های عمرانی در شهرها ابراز علاقه نمودند. گوهرشاد، همسر شاهرخ، در این میان جایگاه ویژه‌ای دارد. او در هرات و مشهد اقدامات عمرانی قابل توجهی انجام داد. ملک‌آغا و طوطی‌آغا دیگر همسران شاهرخ نیز در زمینه اقدامات عمرانی کوشا بودند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۶-۱۶۸). سابقهٔ فعالیت‌های عمرانی خواتین و بانوان در یزد به دورهٔ حکومت علاءالدوله کالنجار در قرن پنجم می‌رسد که همسرش، ارسلان‌خاتون، مسجد و مناری بنا کرد و دو کنیز ارسلان‌خاتون نیز به نام‌های ابر و مبارکه، دو قنات مهم در یزد جاری کردند که به نام خودشان شهرت یافت (جعفری، ۱۳۴۳: ۳۶-۳۷؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۵۹؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۷۹/۱). آخرین بازماندگان این دودمان هم، یعنی دختران فرامرز بن علی گرشاسب، در قرن ششم با احداث جماعت‌خانه و زمستان‌خانه‌ای برای مسجد جامع علاقه‌ی خود به اقدامات عمرانی را نشان دادند (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۶۳؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۸۳/۱). مریم ترکان، مادر سلطان قطب‌الدین (م. ۶۲۶ق) از اتابکان یزد، نیز با احداث



قنات، دروازه، مسجد و بازار نقش مهمی در آبادانی یزد در عصر اتابکان بر عهده گرفت (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۶۶؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۸۸/۱). بانوان خاندان مظفری هم نقش چشمگیری در آبادانی شهر یزد داشتند. خان‌زاده خاتون، دختر امیر مبارزالدین محمد، در یزد علاوه بر خانه و مدرسه، گنبدی در سال ۷۸۶ هجری بنا کرد و خودش را در همان گنبد دفن کردند (جعفری، ۱۳۴۳: ۵۴؛ کاتب یزدی، ۸۱). مادر شاه یحیی نیز نزدیک مسجد جمعه بازاری، مشتمل بر شصت دکان احداث نمود که به بازار خاتون شهرت یافت. او همچنین خانه، باغ و بادگیر نیز احداث نمود (جعفری، ۱۳۴۳: ۵۵؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۸۱).

بی‌بی فاطمه، همسر امیرچقماق، از بانوان فعال عصر تیموری در عرصه فعالیت‌های عمرانی بود. او با اقدامات ارزنده‌ی خود بر رونق یزد افزود. در سال ۸۳۶ هجری بی‌بی فاطمه سطح مسجد جامع را با سنگ مرمر مُفرش کرد (جعفری، ۱۳۴۳: ۹۵؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۰۶؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۷۷/۱) و در قسمت شمالی میدان امیرچقماق برای خود مدفن و مقبره‌ای بنا کرد (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۷۷/۱). بی‌بی فاطمه در سال ۸۴۵ هجری در محله دھوک نزدیک مسجدی که با امیر چقماق بنا کرده بود چاه آب سردی احداث نمود (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۸۸). او همچنین در بیرون از یزد نیز چاه دیگری بنیان نهاد که رونق بسیار داشت (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۹۸؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۷۷/۱). بی‌بی فاطمه در محله‌ی سرآب نو آسیایی ساخت که بسیار فعال بود و نزدیک‌ترین آسیا به شهر به شمار می‌آمد (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۹۱). بیکه سلطان، دختر امیرزاده بایسنفر، که همسر دیگر امیرچقماق بود در متابعت از اقدامات عمرانی همسرش، باغی بزرگ در یزد بنیان نهاد (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۹۱؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۱۷۷/۱).

یکی از نشانه‌های شکوفایی شهرها تعداد مساجد آنها بود. یزد در دوره‌ی تیموریان مساجد جامع متعدد داشت (جعفری، ۱۳۴۳: ۹۴-۱۰۱؛ کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۰۵). کوشش‌های کارگزاران تیموری و بزرگان محلی در زمینه اقدامات عمرانی موجب شده بود که یزد از نظر فرهنگی و آموزشی به وضعیتی مطلوبی دست یابد. در دوره‌ی تیموریان تعداد مدارس یزد زیاد بود. شخصیت‌هایی که اقدامات عمرانی انجام می‌دادند به احداث یا مرمت مدارس هم توجه داشتند. جعفری بیست و دو مدرسه از مدارس یزد را توصیف می‌کند

(جعفری، ۱۳۴۳: ۱۰۲-۱۲۹). البته جعفری به مدارس دیگری هم اشاره می‌کند. در مجموع او از سی و سه مدرسه و نویسنده‌ی تاریخ جدید یزد از سی و نه مدرسه‌ی مهم‌تر یاد می‌کند (افشار، ۱۳۷۴: ۳۶۶/۲). از دیگر نشانه‌های شکوفایی فرهنگی یزد در عصر تیموری تألیف کتب تاریخی و تاریخ‌های محلی معتبر است.

یزد در قرن نهم هجری از نظر اقتصادی وضعیت مناسبی داشت. بازارها و دکان‌های فراوان در شهر وجود داشت و تعداد افراد ثروتمند کم نبود. با اینکه یزد در کنار کویر قرار گرفته بود اما از محصولات کشاورزی بی‌بهره نبود. صنایع مختلف، به‌ویژه صنعت نساجی، در این شهر رونق داشت. حافظ ابرو از رونق صنعت نساجی در یزد سخن می‌گوید (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۱۱۰/۲). سفرنامه‌ی ونیزیان نیز در اواخر قرن نهم به گسترش صنعت نساجی خصوصاً ابریشم بافی در میان ساکنان یزد اشاره دارد (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۸۲-۸۳). حتی پرده‌ای را که از طرف شاهرخ به کعبه ارسال شد، در یزد بافتند (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۳۴). در یزد به دلیل تولید نیشکر، قنادخانه‌هایی ایجاد شده بود. محصولات این قنادخانه‌ها از تولیدات مهم یزد به‌شمار می‌آمد (آکا، ۱۳۹۰: ۲۶۵). آب یزد به‌طور عمده از طریق قنات‌ها تأمین می‌شد (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۷۷). رجال و بزرگان شهر، که دست به اقدامات عمرانی می‌زدند، به اهمیت آب هم توجه نشان می‌دادند. آن‌ها علاوه بر ساخت آب‌انبارها به حفر و احداث چاه‌های آب نیز به‌عنوان یک کار خدایسندانه مبادرت می‌کردند. جعفری درباره‌ی چاه‌های آب، که در داخل و بیرون شهر بودند، سخن رانده است و نام افرادی را که چاه‌ها را احداث نموده بودند، ذکر کرده است (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۸۴-۱۸۹).

از نظر ساختار قدرت به نظر می‌رسد که قدرت تصمیم‌گیری در یزد در دست اشراف ثروتمند و خانواده‌های ریشه‌داری از قبیل قاضی‌القضات‌ها، کارگزاران محلی و بازرگانان طراز اول بود. تحقیقات نشان می‌دهد که مردم یزد معمولاً تلاش می‌کردند در روابط خود با امیرزادگان تیموری خود را به مخاطره نیندازند (منز، ۱۳۹۳: ۲۲۳).

فعالیت‌های عمرانی انجام شده در یزد دوره تیموری

اثر	نوع کاربری	محل ساخت	تاریخ ساخت	بانی اثر
مسجد جامع کبیر	مذهبی	یزد	۷۲۸ هـ ق	سیدرکن الدین که از سادات و قاضی شهر بود. در دوره تیموریان تنی چند از کارگزاران حکومتی و اعیان شهری نظیر جلال الدین خوارزمی، شاه نظام الدین، خواجه معین‌الدین میبیدی و بی بی فاطمه همسر امیرچقماق در تکمیل و مرمت مسجد بسیار کوشش کردند.
مسجد پیرحسین	مذهبی	منطقه اهرستان یزد	۸۲۲ هـ ق	خواجه پیرحسین دامغانی از اعیان شهر
مسجد امیرچقماق	مذهبی	یزد	۸۴۱ هـ ق	امیرجلال‌الدین چقماق و همسرش بی بی فاطمه خاتون
مسجد خضرشاهی	مذهبی	کوی بهروک یزد	۸۴۹ هـ ق	جلال‌الدین خضرشاه از ثروتمندان و خیرین شهر
مسجد	مذهبی	یزد	۸۳۳ هـ ق	خواجه عمادالدین مسعود از کارگزاران حکومتی و بزرگان شهر
مسجد	مذهبی	در کوچه ابر و مبارکه یزد	دوره حکومت شاهرخ	حاجی علاءالدین قنادی و برادرش خواجه کمال‌الدین از بزرگان شهر
مسجد	مذهبی	کوچه حظیره یزد	دوره حکومت شاهرخ	حسین بن غیاث‌الدین سنغر و برادرش رئیس تاج‌الدین از ثروتمندان شهر
مقبره محمدبن علی بن عبیدالله بن احمد معروف به امام زاده جعفر	زیارتی	محلّه مصلی عتیق یزد	۷۷۶ هـ ق	در دوره تیموری این بنا توسط اعیان و اشراف و کارگزاران حکومت مرمت، بازسازی و توسعه یافت.
مقبره بی بی فاطمه همسر امیرچقماق	مدفن	یزد	دوره حکومت شاهرخ	بی بی فاطمه خاتون همسر امیرچقماق
مزار پیر برج	مدفن	یزد	۷۴۷ هـ ق	امیر مبارزالدین محمد مظفری. در سال ۸۴۴ هـ ق امیر قطب‌الدین خضرشاه از بزرگان شهر آن مزار را مرمت کرده گسترش داد.

اثر	نوع کاربری	محل ساخت	تاریخ ساخت	بانی اثر
مصلی	مذهبی	یزد	۸۴۶ هـ ق	امیر حمزه چهره حاکم شهر و جمعی از بزرگان شهر
مدرسهٔ قطبیه	آموزشی	یزد	۸۰۰ هـ ق	مولانا قطب‌الدین از معتبران شهر
مدرسهٔ قطبیه قاسمیه	آموزشی	محلّهٔ سر پولک یزد	۸۳۲ هـ ق	خواجه قطب‌الدین محمود از بزرگان شهر
مدرسهٔ باوردیه	آموزشی	یزد	۸۴۲ هـ ق	خواجه شمس‌الدین محمد و خواجه زین‌العابدین علی
مدرسهٔ حافظیه	آموزشی	یزد	۸۱۷ هـ ق	خواجه غیاث‌الدین محمد حافظ وزیر امیرزاده اسکندر بن عمر شیخ
مدرسهٔ یوسف چهره	آموزشی	محلّهٔ دهوک یزد	۸۳۴ هـ ق	یوسف چهره داروغهٔ یزد
کاروانسرا	اقتصادی	یزد	دورهٔ حکومت شاهرخ	امیر جلال‌الدین خضر شاه از سادات ثروتمند شهر
کاروان سرا و دکان	اقتصادی	محلّهٔ سرریگ یزد	دورهٔ حکومت شاهرخ	خواجه صدرالدین احمد ابیوردی
کاروان سرا	اقتصادی	کوچه حظیره یزد	دورهٔ حکومت شاهرخ	حسین بن غیاث‌الدین سنغر و برادرش رئیس تاج‌الدین
کاروان سرا و دکان	اقتصادی	یزد	۸۱۷ هـ ق	شاهرخ تیموری
کاروان سرا	اقتصادی	محلّهٔ دهوک یزد	دورهٔ حکومت شاهرخ	امیر چقماق
کاروان سرا	اقتصادی	خارج از یزد	۸۳۰ هـ ق	امیر چقماق
کاروان سرا	اقتصادی	مقابل دروازه مهریچرد یزد	۸۱۸ هـ ق	امیرزاده محمد درویش کارگزار حکومت
کاروان سرا	اقتصادی	یزد	۸۴۵ هـ ق	خواه ضیاء‌الدین محمد از بزرگان شهر
بازاری مشتمل بر پنجاه دکان	اقتصادی	دروازه مهریچرد یزد	۸۲۵ هـ ق	علی آقا داروغهٔ یزد
بازاری مشتمل بر شصت دکان	اقتصادی	محلّهٔ سرریگ یزد	۸۲۸ هـ ق	خواجه شمس‌الدین محمد طاهر از کارگزاران حکومت و بزرگان شهر

اثر	نوع کاربری	محل ساخت	تاریخ ساخت	بانی اثر
بازار	اقتصادی	در کوچه قنات ابرومبارکه یزد	دوره حکومت شاهرخ	حاجی علاءالدین قنادی و برادرش خواجه کمال‌الدین از بزرگان شهر
بازار	اقتصادی	کوچه حظیره یزد	دوره حکومت شاهرخ	حسین بن غیاث‌الدین سنغر و برادرش رئیس تاج‌الدین
بازار	اقتصادی	یزد	۸۱۹ هـ ق	شاه نظام کرمانی کارگزار حکومت
بازار	اقتصادی	محله دھوک یزد	دوره حکومت شاهرخ	امیرچقماق
بازار	اقتصادی	یزد	۸۴۵ هـ ق	خواجه ضیاء‌الدین محمد
بازار	اقتصادی	یزد	۸۳۹ هـ ق	در این سال خواجه محمود خوارزمی مباشر یزد بازارها را سفید کرد
تیمچه و دکان	اقتصادی	یزد	۸۰۵ هـ ق	خواجه غیاث‌الدین سالار از کارگزاران حکومت
بارو و خندق	دفاعی و نظامی	یزد	۷۹۹ هـ ق	امیر تیمور
قلعه	دفاعی و حکومتی	یزد	۷۹۹ هـ ق	تبوک قنوجین داروغه یزد به فرمان امیر تیمور. سال ۸۰۸ امیرزاده اسکندرین عمر شیخ بخش دیگری از شهر را به قلعه اضافه کرد.
دیوان خانه	حکومتی	قلعه مبارکه یزد	۸۳۱ هـ ق	امیرچقماق
قصر کوشک و میدان	حکومتی	یزد	۸۰۸ هـ ق	امیرزاده اسکندرین عمر شیخ
میدان	حکومتی	یزد	دوره حکومت شاهرخ	امیرچقماق
دیوان خانه	حکومتی	محله در مدرسه یزد	دوره حکومت شاهرخ	خواجه ضیاء‌الدین محمد
خانقاه	مذهبی	محله دھوک یزد	۸۴۱ هـ ق	امیرچقماق
خانقاه	مذهبی	خارج یزد	۸۳۰ هـ ق	امیرچقماق
حمام	بهداشتی	یزد	دوره حکومت شاهرخ	خواجه نظام‌الدین محمود بن ضیاء‌الدین

اثر	نوع کاربری	محل ساخت	تاریخ ساخت	بانی اثر
حمام	بهداشتی	یزد	۸۱۷ هـ ق	شاهرخ تیموری
حمام	بهداشتی	محلّه دهوک یزد	دورهٔ حکومت شاهرخ	امیر چقماق
حمام	بهداشتی	کوچه باغ صوفیان یزد	دورهٔ حکومت شاهرخ	خواجه صدرالدین احمد ابیوردی از بزرگان شهر
حمام	بهداشتی	مقابل دروازه مهریچرد یزد	۸۱۸ هـ ق	امیرزاده درویش از کارگزاران حکومت
آب انبار	رفاهی	در کوچه باغ صوفیان یزد	دورهٔ حکومت شاهرخ	خواجه صدرالدین احمد ابیوری از بزرگان شهر
آب انبار	رفاهی	در کوچه قنات ابرو مبارکه یزد	دورهٔ حکومت شاهرخ	حاجی علاءالدین قنادی و برادرش خواجه کمال‌الدین از بزرگان شهر
آب انبار	رفاهی	یزد	دورهٔ حکومت شاهرخ	خواجه نظام‌الدین محمود بن ضیاء‌الدین
آب انبار	رفاهی	کوچه حظیره یزد	دورهٔ حکومت شاهرخ	حسین بن غیاث‌الدین سنغر و برادرش رئیس تاج‌الدین
آب انبار	رفاهی	محلّه دهوک یزد	۸۴۱ هـ ق	امیرچقماق
آب انبار	رفاهی	یزد	۸۴۵ هـ ق	خواجه ضیاء‌الدین محمد پسر خواجه عماد‌الدین مسعود
چاه آب	رفاهی	محلّه دهوک یزد	۸۴۵ هـ ق	امیر چقماق و همسرش بی بی فاطمه
چاه آب	رفاهی	محلّه دهوک یزد	۸۴۱ هـ ق	بی بی فاطمه همسر امیرچقماق
چاه آب دارالفشاء	رفاهی	محلّه دهوک یزد	قرن هفتم	خواجه شمس‌الدین محمد تازیکو، اما شاه نظام کرمانی از کارگزاران حکومت در سال ۸۱۹ چاه را وسعت داد
چاه آب چهارمنار	رفاهی	یزد	-	خواجه صدرالدین گیلانی. در سال ۸۳۱ خواجه نورالدین محمد کمال مباشر اموال یزد علاوه بر ساخت دکان در آن منطقه چاهخانه را از نو عمارت کرد.

اثر	نوع کاربری	محل ساخت	تاریخ ساخت	بانی اثر
کاریز	رفاهی	آب خیرآباد یزد	دوره حکومت شاهرخ	امیرچقماق آب کاریز خیرآباد را مرمت و احیا نمود.
آسیا	رفاهی	محله سرآب نو یزد	دوره حکومت شاهرخ	بی بی فاطمه همسر امیرچقماق
باغ امیر شاهی	اقامتی	یزد	۸۰۹ هـ ق	خواجه امیرشاه از بزرگان شهر
باغ ساباط	اقامتی	یزد	دوره اتابکان	امیرزاده اسکندر بن عمر شیخ عمارت‌های فراوان در آن ایجاد کرد.
باغ لاستان	اقامتی	یزد	دوره ال مظفر	امیرچقماق این باغ را احیاء نموده توسعه داد
باغ	اقامتی	یزد	دوره حکومت شاهرخ	خواجه صدرالدین احمد ابیوری
باغ	اقامتی	یزد	۸۴۶ هـ ق	امیر قطب‌الدین خضرشاه از بزرگان شهر
باغ بیگم	اقامتی	یزد	دوره حکومت شاهرخ	بی بی فاطمه همسر امیرچقماق
باغ یوسف چهره	اقامتی	در نعیم آباد نزدیک محله دهوک یزد	دوره حکومت شاهرخ	یوسف چهره از کارگزاران حکومت

نتیجه

فرمانروایان تیموری و ملازمان ایشان به زندگی شهری و آبادانی شهرها علاقه نشان می‌دادند و برای گسترش شهرها و عمران آنها کوشا بودند. امیر تیمور با شهر و اهمیت آن آشنا بود. تیموریان فهمیده بودند که آبادانی شهرها زمینه‌های ترقی اقتصادی و فرهنگی شهرها و بالتبع تمامی مملکت را فراهم می‌سازد. شهرها به دلیل کارکردهای سیاسی، اداری، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی‌شان دارای اهمیت بودند. در دوره‌ی تیموری محله، مسجد، بازار، میدان، معابر و برخی عمارات، نظیر حمام، آب انبار، خانقاه، کاروان‌سرا، مزارات و زیارتگاه‌ها مشخصه‌های اصلی کالبد شهر را شکل می‌داد. یزد در زمره‌ی شهرهای مهم

این روزگار به‌شمار می‌آمد که از موقعیت مکانی و ارتباطی مهمی برخوردار بود و از نظر اقتصادی شهر فعالی محسوب می‌گردید. تجارت و تولید کالا، به‌ویژه منسوجات، در این شهر رونق داشت. به‌هنگام برآمدن حکومت تیموریان، یزد شهری مهم و قابل توجه بود. اهمیت اقتصادی یزد موجب شد تا تیموریان به آن اقبال نشان دهند. از همان ابتدای تسلط تیموریان بر یزد اقدامات عمرانی ایشان آغاز شد. کارگزاران حکومت تیموری، به‌ویژه در دوره‌ی شاهرخ با اقدامات عمرانی خود به آبادانی بیشتر یزد یاری رساندند. یزد در دوره‌ی تیموری شهری آباد، شکوفا و با رونق بود و شکوفاترین دوران خود را سپری می‌کرد. اقدامات عمرانی تیموریان موجب رونق اقتصادی و فرهنگی یزد شد. بازارها و دکان‌های فراوان در این شهر موجود بود و صنایع رونق داشت. تعداد افراد ثروتمند کم نبود و مساجد و مدارس فراوان در این شهر ساخته شد. علاوه بر کارگزاران حکومتی، اعیان، اشراف و بزرگان یزد در آبادکردن شهر خود، نقش به‌سزایی ایفا می‌نمودند. ایشان با احداث مراکز اقتصادی، فرهنگی و عام‌المنفعه بر امکانات شهر افزودند و رفاه مردم را بیشتر کردند. بررسی ساختار شهر یزد، به‌عنوان نمونه‌ای از شهرهای آباد و پررونق دوره‌ی تیموریان، نشان می‌دهد که: توجه اعیان و اشراف و بزرگان این شهر، در کنار توجه فرمانروایان و عمال حکومتی به عمران و آبادانی شهرها، با وجود سرمایه و رونق اقتصادی موجود در امکان و محلات از عوامل اصلی رونق گرفتن شهر و شهرنشینی در دوره‌ی تیموریان است.

منابع

- آکا، اسماعیل (۱۳۹۰)، *تیموریان*، ترجمه اکبر صبوری، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن بطوطه (۱۳۶۱)، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بلخی (۱۳۷۴)، *فارسنامه*، توضیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، چاپ اول، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- ابن عربشاه (۱۳۷۳)، *زندگی شگفت‌آور تیمور*، ترجمه محمدعلی نجاتی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجار*، چاپ اول، تهران: زمینه.
- _____ (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۴، دوره اول، (از ص ۷ تا ص ۴۹).
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۷)، *مسالك و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افشار، ایرج (۱۳۷۴)، *یادگارهای یزد*، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- باربارو، جوزا، و دیگران (۱۳۴۹)، *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، چاپ اول، تهران: خوارزمی.
- باستانی راد، حسن، «کوی (محلّه) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی»، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، شماره ۱۰، ۱۳۹۱ (از ص ۱ تا ص ۳۰).
- بوآ، لوسین (۱۳۸۹)، *تاریخ مغول «تیموریان»*، ترجمه محمود بهفروزی، چاپ دوم، تهران: آزادمهر.
- پولو، مارکو (۱۳۵۰)، *سفرنامه*، ترجمه حبیب الله صحیحی، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- تاکستن و دیگران (۱۳۸۴)، *تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران: مولی.
- جعفری، جعفرین محمدبن حسن (۱۳۴۳)، *تاریخ یزد*، به تصحیح ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جکسون، پیتر و لاکهارت، لورنس (۱۳۹۰)، *تاریخ ایران کمبریج*، ترجمه تیمور قادری، جلد ۶ قسمت اول، چاپ دوم، تهران: مهتاب.

- حافظ ابرو (۱۳۷۲)، *زبده التواریخ*، مقدمه تصحیحات و تعلیقات سیدکمال حاج سیدجوادی، جلد ۱، چاپ اول، تهران: نشر نی و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ (۱۳۷۸)، *جغرافیای حافظ ابرو*، تصحیح و تحقیق صادق سجادی، جلد ۲، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.
- حسینی تربتی، ابوطالب (۱۳۴۲)، *تزوکات تیموری*، تهران: کتاب فروشی اسدی.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۰)، *معجم البلدان*، ترجمه علی نقی منزوی، جلد ۱، چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین (۱۳۷۲)، *مآثر الملوک*، به تصحیح میرهاشم محدث، چاپ اول، تهران: رسا.
- خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶)، *شهرهای ایران*، ترجمه حسین حاتمی نژاد و عزت الله مافی، چاپ اول، مشهد: نیکا.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۰)، *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلیخانان*، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- رهنمایی، محمدتقی، «دولت و شهرنشینی در ایران: مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهرنشینی در ایران»، *جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، پیش شماره، ۱۳۸۸ (از ص ۱۴۳ تا ۱۶۵).
- سلطان زاده، حسین (۱۳۷۰)، *فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران*، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۷)، *معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی*، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۳)، *بازارهای ایرانی*، چاپ سوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، به تصحیح عبدالحسین نوایی، جلد ۲، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شفق، سیروس (۱۳۹۵)، *درآمدی بر شناخت شهر اسلامی - ایرانی*، جلد ۱، چاپ اول، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۶۶)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، چاپ اول، تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین بن علی (۱۳۸۶)، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.

- مستوفی، حمدالله (۱۳۳۶)، *نزهة القلوب*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، چاپ اول، تهران: طهوری.
- مستوفی بافقی، محمدمفید (۱۳۴۲)، *جامع مفیدی*، به کوشش ایرج افشار، جلد ۱، چاپ اول، تهران: کتاب فروشی اسدی.
- _____ (۱۳۴۰)، *جامع مفیدی*، به کوشش ایرج افشار، جلد ۳، چاپ اول، تهران: کتاب فروشی اسدی.
- منز، بئاتریس فوربز (۱۳۹۳)، *ایران عصر تیموری (قدرت، سیاست و مذهب)*، ترجمه اکبر صبوری، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- میرجعفری، حسین (۱۳۷۹)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان*، چاپ دوم، تهران: سمت.
- میرخواند (۱۳۸۰)، *تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء*، به تصحیح و تحشیه جمشید کیان فر، جلدهای ۶ و ۷، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- نطنزی، معین الدین (۱۳۸۳)، *منتخب التواریخ معینی*، به اهتمام پروین استخری، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۷۰)، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل*، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- یزدی، شرف الدین علی (۱۳۸۷)، *ظفرنامه*، به تصحیح سید سعید میرمحمد صادق و عبدالحسین نوایی، جلد ۱، چاپ اول، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.